

رابطه تلازمی جامعه مطلوب و معنویت‌گرایی انقلاب اسلامی
در منظومه هستی‌شناسی و روانشناسی امام خمینی (ره)
امیرعلی کتابی^۱، حسن سعیدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

چکیده:

از نظر روانشناسی سیاسی، رفتار و اخلاق سیاسی پیامبران و ائمه معصومین در شکل دهی به جامعه مطلوب به صورت روش ماکیاولیستی اندیشه‌های غرب نبوده که اساس آن بر دروغ، زور و فساد و خدعه و نیرنگ باشد. بلکه بر مبنای آموزه‌ها و روش‌های قرآنی و هستی‌شناسی الهی بوده و این روش‌ها به صورت رفتار صبورانه، شجاعانه، قوی، دارای اعتماد به نفس بالا بوده و همچنین بر کافران، بسیار قویدل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند. (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ^{۲۹}، فتح). این پژوهش، کیفی و از نوع مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از خبرگان به طور کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان خواهد داد که کاربرد هستی‌شناسی در حوزه روان‌شناسی سیاست موجب تحقق جامعه مطلوب می‌شود. مثال عملی آن امام خمینی است که در چارچوب هستی‌شناسی قرآنی در روانشناسی سیاسی و مبارزاتی علم کرد و موفق به نظام‌سازی و جامعه مطلوب در انقلاب ایران شد موفقیت ایشان به دو دلیل بوده است اولاً در مرحله شناخت خداوند به مرحله یقین رسیده بود (هستی‌شناسی الهی) ثانیاً، رفتار اخلاقی پیامبران و امامان معصوم را در نظام‌سازی حکومت مطلوب الگوی خویش قرار داده بود و این، شرط موفقیت وی در نظام‌سازی مطلوب در انقلاب اسلامی ایران بوده است.

واژگان اصلی: جامعه مطلوب، روانشناسی، انقلاب اسلامی، هستی‌شناسی.

۱. استادیار انقلاب اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

hsaeedigm@gmail.com

۲. استادیار معارف اسلامی دانشگاه شمال، آمل، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

هر انقلابی مسبوق به نظامی از اندیشه و تفکر است که پشتوانه نظری و فکری آن انقلاب است. از هستی‌شناسی خاصی نشات می‌گیرد تجربه تاریخی انقلاب‌های مهم دنیا نیز مؤید آن است که قبل از وقوع هر انقلابی باید طی یک تأمل نظری و فلسفی و با در نظر گرفتن یک نوع از هستی‌شناسی الهی، ضمن طرد و نفی نظام موجود، یک مکتب فکری جدید به وجود آید که تعریف جدیدی از جایگاه انسان در جامعه ارائه دهد. سپس بر مبنای همین هستی‌شناسی الهی، باید یک نظام سیاسی و اجتماعی ایدئال طراحی گردد تا پس از پیروزی انقلاب نیز همین طرح نظری، مبنای مهندسی اجتماعی قرار گیرد. (تاجیک، ۱۳۷۹، ۸۶) در غیر این صورت حتی پس از سرنگونی نظام موجود، انقلابیون در بعد ایجابی و پی‌ریزی نظام سیاسی اجتماعی دچار بن‌بست نظری و عملی خواهند شد؛ از سوی دیگر این تأمل نظری و در پی آن ارائه یک هستی‌شناسی الهی باید از سوی کسانی صورت پذیرد که با مبانی فکری انقلابی که می‌خواهند انجام دهند و با بستر اجتماعی جامعه‌ای که در آن انقلاب صورت می‌گیرد، آشنایی کافی داشته باشند

انقلاب اسلامی ایران که از سال ۱۳۴۱ به رهبری امام خمینی آغاز و در بیست و دوم بهمن سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. بر یک مبنا و هستی‌شناسی خاصی استوار بوده است. این هستی‌شناسی، هستی‌شناسی اسلامی و قرآنی است که پشتوانه نظری آن محسوب می‌شود. قرآن از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع تولید دانش اسلامی است که در کنار دیگر منابع تولید معرفت دینی، علاوه بر اینکه در زندگی فردی و عبادی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در مسائل سیاسی، اجتماعی نیز مورد توجه بوده است. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان نهضت بازگشت به قرآن دانست، نهضتی که هم از قرآن تغذیه می‌شد و هم درصدد عمل به آموزه‌های قرآنی در صحنه سیاست و اجتماع است، چرا که بازگشت به قرآن باعث می‌شود تا مسلمانان هم به مبارزه با استعمار برخیزند و هم مبارزه با استبداد و نتیجه این مبارزات رسیدن به عزت افتخار، سربلندی و از همه مهم‌تر تقرب به خداوند متعال است. آن چیزی که در این رساله مورد تأکید شده است جامعه مطلوبی است که در سایه تقرب به خداوند و بهره‌های قرآنی و از نظر روانشناسی اسلامی با برقراری پیوند عاطفی و معنوی که بین رهبران دینی و مردم برقرار می‌شود بدست می‌آید در این مقاله به بخشهایی از آیات قرآن می‌پردازیم ابتدا با نشان دادن آیات و روایات به عظمت هستی و قدرت خدای متعال پی خواهیم برد و اعلام خواهیم کرد هیچ دینی به اندازه اسلام و قرآن کریم نتوانسته است به عظمت خداوند و هستی پی برد (خمینی، ۱۳۸۸، ۹۹) سپس به عظمت انسان در آیات

ورویات قران کریم به همراهی روانشناسی رفتار و خصوصیات اخلاقی خواهیم پرداخت در ادامه خواهیم گفت که چنین انسان کاملی می تواند جامعه زیبا و مطلوب درست کند چون از هستی لایزال الهی که صاحب قدرت می باشد نشات می گیرد.

بیان مسئله

در طراحی جامعه مطلوب، اندیشمندان زیادی با دیدگاه روانشناسی و یا ایدلوژی خود دنبال نوعی از هستی شناسی خاص بوده اند اندیشمندانی چون افلاطون در هستی شناسی مدینه فاضله خود دنبال جامعه ای بوده است که در آن عدالت اجتماعی و حکمت دو پایه اساسی آن باشد و یا توماس مور در هستی شناسی آرمان شهر خود دنبال جامعه مطلوبی می گشت که همه مردم از لحاظ زبان و قوانین و آداب و رسوم مشترک باشند و همچنین توماس کامپانلا در هستی شناسی شهر خورشید خود دنبال جزیره ای بود که در آن همه مردم از لحاظ اقتصادی به برابری رسند و یا آگوستین قدیس در هستی شناسی شهر خدای خود دنبال جامعه مطلوب می گشت که همه مردم در آن قدیس شوند و یا فرانسیس بیکن در هستی شناسی آتلانتیس نوین خود دنبال جامعه مطلوبی می گشت که انسان بر طبیعت پیروز شده و علم و دانش را بر مذهب که به نظر وی خرافه ای بیش نیست غلبه دهد یا فرانسویس فوکویاما در هستی شناسی نظریه پایان تاریخ خود نظام لیبرال دموکراسی را به عنوان جامعه مطلوب معرفی می کند. (جمشیدی، ۱۳۹۱، ۲۹۱) از مطالب فوق این جمع بندی بدست می آید که هر یک از ادیان الهی بر مبنای هستی شناسی خود به گونه ای روش دستیابی به جامعه مطلوب را پیشنهاد کردند و راههایی را رفتند و بر روشی تاکید کردند. روش شناسی قران با روش شناسی آنان متفاوت است. در قران راه رسیدن به جامعه مطلوب نوع نگاه به انسان تکامل گرا است. (عیوضی، ۱۳۸۳، ۹۸)

از نظر هستی شناسی الهی، روش قران برای ساخت جامعه مطلوب در تربیت انسان تعالی خواه می باشد. پس پایه اصلی مساله در این مقاله خطر دور شدن جامعه ایران از فهم متدلوژیک از آیات روانشناسانه قرانی در حوزه سیاست است که در آینده مانع از تحقق و استحکام جامعه مطلوب در تراز انقلاب اسلامی خواهد شد. در مواجهه با این مساله درک جامعه از روش قرانی بسیار مبنایی و جدی است در آیات قرانی روش رایج در معرفی و تحقق جامعه مطلوب بر پایه سیاست فاضله و هدایت گرا بر نقش انسان و خلیقات و روحیات آن در چارچوب هدایت دیتی

تاکید شده است لذا آشنایی با روش فرانی جهت دستیابی به مبانی روانشناسی انسان و مسیر حرکت انسان به عنوان پیشران عمده برای تحقق جامعه مطلوب مساله اصلی رساله می باشد.

مبانی نظری و سوابق مربوط به تحقیق:

علامه حسن زاده آملی (۱۳۹۸) در کتابی به نام "انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه" که توسط انتشارات روح وریحان به چاپ رسیده است ابعاد مختلف مربوط به انسان کامل را بیان می کند کتاب، متشکل از خطبه، مقدمه، مدخل و یازده باب است کتاب را با مقدمه‌ای در باره معجزات قولی و فعلی سفرای الهی، آغاز و نهج البلاغه را در عداد معجزات قولی، محسوب می کند، سپس به مباحثی کوتاه در اسناد نهج البلاغه، موضوعات مسائل عقلی در نهج البلاغه و آنهایی که نسبت به جمع آوری کلمات امیرالمؤمنین علیه‌السلام، اهتمام ورزیده‌اند، پرداخته، آن گاه وارد اصل موضوع؛ یعنی انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، گردیده است جناب ایشان، خاطرنشان ساخته است که حدود یک صد و چهل مورد از نهج البلاغه را در موضوع نام برده یافته، ولی به لحاظ اختصار، به ذکر برخی از آنها که هفتاد و یک مورد است، اکتفا می نماید.

ایشان موارد یاد شده را در پنج بخش، مورد بررسی قرار داده است:

۱. در اوصاف انسان کامل و عدم خلو ارض از آن به طور کلی.
 ۲. در اوصاف نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.
 ۳. در اوصاف آل نبی علیه‌السلام.
 ۴. در اوصاف شخص حضرت امیر علیه‌السلام.
 ۵. دقایق و نکات لطیفی که از برخی عبارات و اشارات، مستفاد است. لازم به ذکر است که علامه، در این کتاب، علاوه بر امور مزبور، خلاصه و عصاره مسائل عرفانی را در موضوع فوق‌الذکر از کتب فتوحات، مصباح الانس، فصوص و تمهید القوائد، مؤید به آیات و روایات، بنا بر تناسب مقام و مباحث مطروحه، نقل و از این طریق به تحکیم و تایید مطالب مقاصد کتاب پرداخته است.
- در ادامه این اثر ابعاد مختلف مربوط به انسان کامل با استناد به کتاب نهج‌البلاغه و روایات معصومین(ع) مورد شرح و بررسی قرار گرفته است. ولی خدا بودن انسان کامل، خلیفه الهی بودن وی، قطب زمان بودن انسان کامل، مصلح کل بودن او، معدن کلمات خدا بودن انسان کامل، و حجت الهی بودن او، عقل مستفاد بودن انسان کامل و ثمره شجره وجود بودن وی، مؤید به

روح‌القدس بودن انسان کامل و محل مشیت الهی بودن او و سایر کمالات روحی انسان کامل از مسایل مهم مطرح شده در این نوشتار است.

این کتاب به لحاظ ثقیل بودن متن و نداشتن چارچوب نظری و نداشتن روش تحقیق خاص شبیه سادگی متن حاضر نمی‌باشد.

مقاله سید محمد حسن موسوی فرد و محمد محمدرضایی به نام "تصور علامه طباطبایی از ذات خدا؛ عارفانه یا فیلسوفانه" که در مجله هستی‌شناسی الهی دانشگاه شهید رجایی در پاییز و زمستان ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است در این مقاله نویسندگان به اندیشه و گفتگو دربارهٔ خدا، هستی‌شناسی ذات او می‌پردازند بسیاری از مسائلی که در مورد خداوند و هستی‌شناسی او مطرح می‌شود متوقف بر چگونگی تصور خداست. تصور فلاسفه از خدای متعال با تصور عرفا نسبت به خدا متفاوت است. در نگاه فیلسوفانی که قائل به کثرات متباین هستند، ذات حق تعالی حقیقت بشرط لا است و در نگاه فیلسوفانی که قائل به وحدت تشکیکی وجود هستند، خدای سبحان حقیقت لابشرط قسمی است. در حالی که در نگاه عارفان ذات خدای سبحان و هستی او حقیقت لابشرط قسمی، مطلق از حد، و بری از هر گونه قید حتی قید اطلاق است. خدای تصور شده نزد آن فیلسوفان تنها تعینی از تعینات حقیقت مطلقهٔ حق تعالی و مقید به قید اطلاق است. در این مقاله نویسندگان از نظر هستی‌شناسی با عبور از «تشکیک در وجود» به «تشکیک در مظاهر» نه تنها رویکرد عرفانی دارند بلکه از نظر هستی‌شناسی الهی، رویکرد عرفانی را دقیق‌تر از رویکرد فیلسوفانه می‌بیند.

مقاله علی اصغر خندان و مهدی قضاوی زاده به نام "علامه طباطبایی و اصول هستی‌شناختی برگرفته از لفظ «حق» در قرآن کریم" که در دوفصلنامه علمی پژوهش‌های هستی‌شناسی به چاپ رسیده است نشان می‌دهد که موضوعات مرتبط با حق و کاربردهای این لفظ در قرآن کریم از چنان گستره و ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند مبانی و چهارچوب یک نظام ف هستی‌شناسی الهی را پایه‌ریزی کند. در این راستا و با این جهت‌گیری، پس از اشاره به معنای لغوی «حق» و مؤلفه‌های آن (ثبوت، وجوب، و بقا) و همچنین معانی اصطلاحی «حق» در قرآن (حق تکوینی، به معنای حقیقت عینی و واقعیت خارجی؛ حق معرفتی، به معنای شناخت و یا سخن حقیقی، صادق و مطابق با واقع؛ حق ارزشی: به معنای عمل شایسته و نیکو)، در این مقاله با مرور کاربردهای لفظ حق، هفت اصل از اصول هستی‌شناختی در قرآن کریم را براساس آراء علامه طباطبایی در *تفسیر المیزان* تقریر کرده‌اند.

است، اصولی مانند اینکه خداوند، مصداق اتم حق است؛ ماسوا و دیگر حقایق، همه از حق تعالی و تحت تدبیر اوست؛ و حق تعالی، ماسوا و دیگر حقایق را بحق آفریده است. در خلال این مباحث همچنین به این اشکال مقدر پاسخ داده شده است که آیا می‌توان یک واقعیت زبان‌شناختی مربوط به یک زبان را مبنایی برای استنتاج واقعیت‌های هستی‌شناختی قرار داد؟

مقاله "امکان تکثر ادله اثبات وجود خدا در خداشناسی (بر اساس تبیین قاعده برهان واحد بر مطلوب واحد) که نویسندگان آن هاشم قربانی و احد فرامرزرقلامکی می‌باشند که در مجله "هستی‌شناسی الهی" دانشگاه شهید رجایی در دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است.

در این مقاله نویسندگان، با طرح چالشی بر تکثر براهین و ادله اثبات خدا، از نظر هستی‌شناسی رهیافت‌هایی برای امکان تکثر و فراوانی براهین و ادله پیش می‌نهد. بر اساس هستی‌شناسی الهی، قاعده‌ای طراحی می‌گردد که بر اساس آن، بر مطلوب واحد، براهانی بیش نمی‌توان داشت. (صدوق، ۱۹۷۲: ۳۵) بنابراین، فراوانی براهین اثبات هستی‌شناسی الهی، که در گزارشات فیلسوفان آمده است، با این قاعده، به چالش کشیده می‌شود. راه‌کارهای برون‌شد از این دشواره، در قالب سه رهیافت: رهیافت فلسفی؛ مبنی بر تکثر براهین لمی تحلیلی، و نیز تکثر براهین آنی تحلیلی در اثبات هستی‌شناسی الهی، رهیافت منطقی؛ مبنی بر تکثر در صورت براهان‌ها و استدلال‌ها، و رهیافت مبتنی بر تکثر در مقام تقریر ارائه می‌شود

دکتر مسعود آذربایجانی در مقاله "انسان کامل (مطلوب) از دیدگاه اسلام و روانشناسی در مجله حوزه و دانشگاه ۱۳۷۵ شماره ۹ به چاپ رسیده است

ایشان در این مقاله به نظرات تطبیقی اسلام و روانشناسی نسبت به شخصیت مطلوب می‌پردازد ایشان با استعاره گرفتن بعضی از اصطلاحات روانشناسی و پیدا کردن نام معادل آن در قرآن و روایات سعی در تطبیق اسلام و روانشناسی در مبحث انسان مطلوب پرداخته است به عنوان مثال ۱- انگیزش: قصد تقرب به ساحت قدس خداوند متعال یا محبت و رضای او، انگیزه اصلی انسان مطلوب از دیدگاه اسلام است. این انگیزه‌ای است فرارونده از خود، ولی در عین حال دارای جهت گیری کاملاً مشخص؛ یعنی به سمت بالاترین مبدا آفرینش است. این انگیزه از امور عبادی شروع می‌شود و دایره آن می‌تواند تمام گستره زندگی مؤمن را فرا بگیرد. اگر چه نظریه «فرانکل» در این قسمت مشابهت‌هایی با آن دارد، ولی او معنایی را در امور دیگری مثل رنج، عشق، و خلاقیت

ترسیم می‌کند که الزاما جهتی فرارونده به سوی مبدا اعلاى الهی مورد نظر او نیست.

۲- تاکید بر هشيار يا ناهشيار: تأكيد بر هر دو هست؛ لکن تاکید اصلی بر بخش هشيار انسان است که نمود اصلی آن همان اراده و کوشش در راه امور اختیاری است: «ليس للانسان الا ماسعى و ان سعیه سوف یرى»، «و من اراد الاخره و سعى لها سعیها و هو مؤمن فاولئک کان سعیهم مشکورا». اوامر و نواهی در آیات و روایات نسبت به مؤمنین، به اعتبار همین اصل اساسی - یعنی قبول اراده و اختیار در انسان - و تاکید بر بعد هوشیاری برای «شدن» انسان است: «ياايها الذين آمنوا اتقوا الله و قولوا قولاً سديداً» «يا ايها الذين آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان به طور کلی دستاورد انسانی تابع اراده اوست: «من یرد ثواب الدنيا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها». در این قسمت می‌توانیم بگوئیم نظرات روانشناسان مذکور با دیدگاه اسلام تقریباً مشترک است. به اهمیت مقام انسان از نظر هر متفکران و روانشناسان می‌پردازد. بدین معنا، فیلسوفی که مادی است و به انسان از دیدگاه امور مادی و روابط سیاسی و قوانین حاکم بر ماده می‌نگرد، او را موجودی سلطه‌جو، و طالب هرج و مرج دانسته است؛ مثلاً «هايز» می‌گفت: «انسان برای انسان، گرگ است»؛ اما کسانی که انسان را از جنبه معنوی و ملکوتی می‌نگریسته‌اند، او را به درجه‌ای والا می‌دانسته‌اند که مانند «اسپینوزا» می‌گفته‌اند: "انسان برای انسان، خداست"

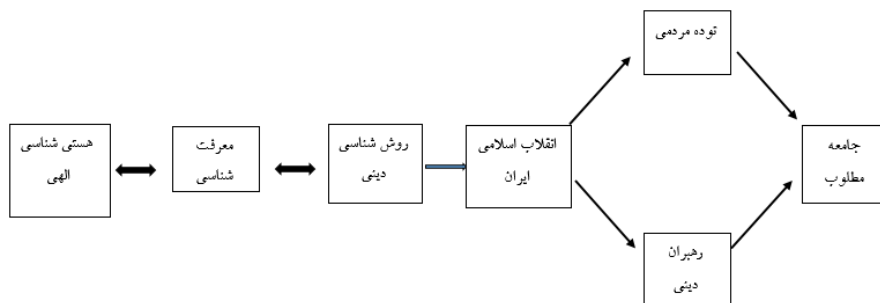
مقاله حاضر به دلیل ترکیب ناهمگون بعضی از اصطلاحات در اسلام و روانشناسی نتوانسته

پیوستگی معنایی بین اسلام و روانشناسی انسان مطلوب را ایجاد کند.

در حالی که تحقیق حاضر انسانشناسی را از قرآن دریافت کرده و این انسانشناسی که در انسان

کامل تجلی می‌یابد را در راستای تحقق جامعه مطلوب بکار می‌گیرد.

مدل مفهومی هستی‌شناسی الهی از منظر امام خمینی (ره) و رابطه تلازمی آن با روانشناسی جامعه مطلوب



مبانی هستی‌شناسی الهی در روانشناسی

اگر روان‌شناسی به بررسی رفتار و تجلیات روانی انسان می‌پردازد و آن را تحلیل می‌کند چستی، چرایی، چگونگی و پیامدهای آن را به تحلیل روان‌شناختی می‌گذارد؛ پس مفهوم و باوری که پیشامد و پیامد آن رفتار و تجلیات روانی باشد در این چهارچوب فاقد بررسی است. به عنوان مثال باور اینکه همه هستی‌سیری یک پارچه و منسجم دارد که از سوی پرودگار تنظیم شده است و انسان بخش کوچک اما مهمی از این مجموعه است که در این سیر با مخلوقات دیگر از جمله جن، فرشته، شیطان قسم خورده و طبیعت و همه قوانین آن همواره همراه و هم‌زیست است ما را به کنترل شخصیت درونی، انگیزه‌ها، رفتارها، عواطف، هیجان‌ها، آرزوها، ارتباط انسان با سایر موجودات و ... و می‌دارد.

۱- هستی مخلوق خداست: ممکن است مخلوق دانستن جهان در کشف قانون مندی‌های جهان و انسان به خودی خود تأثیر نگذارد. اما بر تفسیرها و نتیجه‌گیری‌های او اثر مستقیم می‌گذارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۰۱) قرآن در این زمینه می‌فرماید: «خداوند همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی نازل کرد و با آن میوه‌ها را برای روزی شما بیرون آورد و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید تا بر صفحه‌ی دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را مسخر شما نمود.» (سوره ابراهیم، آیه ۳۲: اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ) بنابراین اعتقاد به خالقیت خدا و اینکه همه چیز در مقابل خواست او خاضع است نگاه انسان را به جهان تقلید می‌دهد. (انصاریان، ۱۳۸۸، ۲۵۴)

۲- هستی هدفمند است: جهان هدفمند آفریده شده است و این هدفمندی به زندگی انسان معنا می‌دهد؛ بنابراین ممکن است بسیاری از نابه‌سامانی‌های روحی و روانی انسان به دلیل فراموشی این هدف و فاصله گرفتن از آن باشد. (علی زاده محمدی، ۱۳۹۵، ۱۳۵) عبودیت و بندگی هدفی است که انسان باید در زندگی دنبال کند تا به وسیله آن تکامل یابد. «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه عبادتم کنند.» (سوره ذاریات، آیه ۵۶: وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)

۳- هستی هماهنگ است و خالق واحد دارد: هیچ موجودی در جهان وجود مستقل ندارد و همه هستی مشغول انجام تکالیف خود هستند مگر مخلوقاتی مثل انسان که به آن قدرت اختیار داده شده است که ممکن است خلاف جهت هستی حرکت کند. خدای متعال نیز کاملاً ناظر بر

عملکرد مؤمن و غیرمؤمن است و هرگاه که اراده کند نعمتی را می گیرد و یا می بخشد. (ن.ک:سوره آل عمران ' آیه ۲۵ و ۲۶ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ، قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

۴- طبیعت برای انسان خلق شده است: قرآن کریم طبیعت را سرمایه ای می داند که خداوند در اختیار انسان قرار داده است. (ن.ک: سوره نحل ' آیه ۱۲ تا ۱۶: وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ، وَ مَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ، وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَآخِرَ فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ، وَ أَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ، وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ) بنابراین انسان باید به درستی طبیعت را بشناسد و از آن استفاده کند. به عنوان مثال احترام به حقوق حیوانات حتی در زمان ذبح کردن نمونه بارز این احترام است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۱۲)

۵- زمین مناسب زندگی انسان است: در قرآن زمین به عنوان گهواره انسان معرفی شده است که در آن سیر می کند و از نعمت ها و امکانات و آب و هوای آن و حرارت و بذر و ... بهره می برد. (ن.ک: سوره طه ' آیه ۵۰ تا ۵۳: قَالَ رَبِّنَا الَّذِي أُعْطِيَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ، قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ، قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى، الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى) خداوند همه آنچه در زمین آفریده است را در اختیار انسان قرار داده است. مثلاً انسان از دریاغذا می گیرد. جواهرات و زیورات به دست می آورد. از ستاره ها برای شناسی راه ها استفاده می کند و ... (ن.ک: سوره نحل ' آیه ۱۲ تا ۱۶ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ، وَ مَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ، وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَآخِرَ فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ، وَ أَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ، وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ) (قرشی، ۱۳۸۰، ۵۰۴)

۶- امور غیبی هستی یا متافیزیک: غیب شامل اموری مانند فرشتگان ' آجنه ' شیطان و ... می شود که با چشم ظاهری قابل دیدن نیستند. اگر کسی به امور غیبی اعتقاد نداشته باشد نمی تواند به

اسلام اعتقاد واقعی داشته باشد. اگرچه انسان به اذن خداوند به برخی از مصداق های غیب در همین دنیا دست پیدا می کند؛ بنابراین باز هم باید بدانیم که «کلیدهای غیب نزد اوست و کسی جز خدا آن را نمی داند؛ (سجادی، ۱۳۸۳، ۲۰۴) هرآنچه در خشکی و دریاست او می داند و هیچ برگی نمی افتد مگر اینکه در کتاب مبین آمده است.» (سوره انعام، آیه ۵۹: وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَّا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) اگر انسان را به بعد زیستی منحصر کنیم و ارتباط رفتاری او را با مصداق های غیبی نادیده بگیریم در حقیقت به بخش بسیار کوچکی از انسان اکتفا کرده ایم و بسیاری از رفتارها و تجلیات روانی او را نمی توانیم تحلیل کنیم. (مامقانی، ۱۳۸۸، ۲۵۱)

هستی شناسی الهی از منظر امام خمینی (ره) و رابطه تلازمی با جامعه مطلوب

در دیدگاه بنیادین امام (ره) «توحید» محور اصلی هستی شناسی است و ریشه و اصل تمام اعتقادات او را در کل ابعاد معرفت و اندیشه تشکیل می دهد و همان گونه که در هستی شناسی توحید را قرار داده، در سایر معارف و اندیشه ها نیز این اصل معیار او بوده، بر همین اساس، اندیشه مدیریتی امام نیز نوعی اندیشه توحیدی است و یا به تعبیری، رهبری امام در مدیریت نظام، توحید مدار است؛ چه اینکه خود او اذعان دارد:

"اعتقادات من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و پیشوایان بحق بعد از آن حضرت بیان فرموده اند که ریشه و اصل همه آن عقاید -

که مهم ترین و با ارزش ترین اعتقادات ماست - اصل توحید است" (صحیفه امام، ج ۲۰، ۲۰۵)

هنگامی که این معرفت توحیدی به جهان هستی با گرایش کمال خواهی فطری ضمیمه گردد، خدا محوری محصول آن خواهد شد و رفتارها صبغه ای الهی می یابند. و زمانی که خدا محوری امام (کمال خواهی و گرایش به ذات باری تعالی با استناد به شناخت توحیدی) مبنای رفتار رهبری قرار می گیرد، ایشان را رهبری خدا محور می گرداند. (عرفانی، ۱۳۹۶، ۵۴)

مهم ترین و اساسی ترین عامل در موفقیت های حضرت امام را می توان در اطاعت از خدا و تنها برای او رفتار کردن و در یک کلمه «خدا محوری» دانست. امام هیچ تحولی را در غیاب خداوند تفسیر و تحلیل نمی کرد. در پیروزیها همواره قدرت و لطف خدا را یادآور می شد. امام بارها این مضمون را در کلمات خود بر زبان می آورد و بیان می کرد: «هر چه هست از

خداست.» او همه چیز را از خدا می دانست؛ هضم در اراده خدا و حلّ در حکم الهی بود. و پیوسته می فرمود: «انقلاب را خدا پیروز کرد. و خرمشهر را خدا آزاد کرد. دل‌های مردم را خدا جمع کرد.» او همه چیز را از منظر الهی می دید و عامل به احکام بود. خدای متعال نیز درهای رحمت را به روی او باز می کرد. (پژواک ولایت، مجموعه سخنرانی امام خامنه ای، ص ۲۲۰)

امام خمینی رحمه الله مظهر و مصداق روشن خدامحوری است، ایشان درون را از شائبه غیر خدا پیراسته و تمام جلوه های نفسانی را کنار زده و با اکسیر خدا محوری، ماهیت دانش و کردار خود را دگرگون کرده بود. انجام تکلیف الهی برایش مهم بود و هیچ گاه رضای مخلوق را بر رضای خالق مقدم نمی داشت. در کردار و گفتارش اخلاص و خدامحوری را سرلوحه قرار داده و همواره بدان سفارش می کرد:

سعی کنید که انگیزه ها، انگیزه های الهی باشد. سعی کنید که به مردم خودتان، هر جا هستند، به کشور خودتان، هر جا هستند، تزریق کنید که انگیزه هایشان الهی باشد.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۰۶)

اتصال با منبع اصلی قدرت، ارتباط با خدا، همه چیز را از او دانستن و همه کار را برای خدا کردن، راز اقتدار، ماندگاری و نفوذ مردان خدا است. سرّ این نفوذ عجیب که این مرد بزرگ در دل توده های عظیم مسلمان در کشورهای مختلف داشت و راز آن؛ از خود عبور کردن، برای خود تلاش نکردن، خدا را دیدن و از او الهام گرفتن و برای او مجاهدت به تمام معنا انجام دادن است. این ارتباط با خدا و اتصال با او، در امام سکینه و آرامش به وجود می آورد. آنجایی که دیگران وحشت زده می شدند، او آرام و آنجایی که دیگران به تزلزل می افتادند، او قاطع و مصمم بود. (پیشین، ص ۲۶۹)

او خدا محور بود و دیگران را نیز توصیه می کرد که به خدا اتکا کنند و می فرمود:

من از همه ملت خودم و از همه شما و از همه ملت‌های مسلمان می خواهم که اتکال به خدا بکنید، در همه کارها اتکال به خدا بکنید. قدرتها در مقابل قدرت خدا هیچ است. قوه ها در مقابل قوه الهی نابود است، اتکال به خدا بکنید، غلبه به هر چیز می کنید. پیغمبر اسلام با آنکه یک نفر بود، در مقابل همه دشمنها با اتکال به خدا غلبه کرد، بر همه ... برای اینکه اتکالش به خدا بود، جبرئیل امین پشت سرش بود. شما هم اتکال به خدا کنید تا جبرئیل امین پشت سر شما و با شما همراه باشد.» (همان، ج ۴، ص ۲۳۴)

"اگر ما یک روزی اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت" (همان، ج ۴، ص ۲۳۵)

ذکر این نکته ضروری است که در اصل خدامحوری همه ارزشهای اسلامی جمع است. خدامحوری و تکلیف‌گرایی؛ یعنی انجام واجبات و ترک محرمات، التزام به بایدها و نبایدهای شرعی و خلاصه آنکه بر اساس این اصل است که رهبر به همه ارزشهای دینی التزام دارد.

الف. شاخصهای هستی‌شناسی الهی در رهبری امام(ره)

۱- عمل بر اساس تکلیف؛

۲- تقدیم رضای الهی

۳- خود را مطرح نکردن

تفکر، تأمل و تعقل در آیات الهی چنان مورد تأکید حضرت امام است که ایشان تفکر در قرآن را جزء آداب مهم تلاوت آن برمی‌شمارد. "و دیگر از آداب مهمه آن تفکر است و مقصود از تفکر آن است که از آیات شریفه جستجوی مقصد و مقصود کند و چون مقصد قرآن، چنانچه خود آن صحیفه نورانیه فرماید، هدایت به سبیل سلامت است و اخراج از همه مراتب ظلمات است به عالم نور و هدایت به طریق مستقیم. باید انسان به تفکر آیات شریفه، مراتب سلامت را از مرتبه دانیه آن که راجع به قوای ملکیه است تا منتهی‌النهاییه آن که حقیقت قلب سلیم است به تفسیری که از اهل بیت(ع) وارد شده که ملاقات کند حق را در صورتی که غیر حق در آن نباشد". (خمینی، ۱۳۸۳)

تفکر و به کارگیری عقل در تلاوت قرآن چنان مورد توجه حضرت امام (س) است که نیل به مقام متقین و مقامات بالاتر را از نتایج آن می‌داند. "معلوم است کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب او اثر کند و کم کم به مقام متقین رسد". و در جایی دیگر می‌فرماید: "در قرآن کریم، این سرچشمه فیض الهی تدبر کن، هر چند صرف خواندن آن که نامۀ محبوب است، به شنوده محبوب، آثاری دلپذیر دارد. لکن تدبر در آن انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می‌کند". (همان، ۲۳۷)

بهترین راه درک حقایق هستی‌برخورداری از امدادهای آسمانی از جمله وحی است. آیا خدایی که جهان را آفریده است، بهتر از ما از ابعاد وجودی آن آگاهی ندارد؟ آیا وحی جز اتصال دهنده انسان با مبدأ علم و آگاهی راستین است؟ اگر به واقعیت وجودی و هویت وحی الهی دقت کنیم، به این حقیقت دست می‌یابیم که مرتبه درک حسّی و تجربی و ادراک عقلی ما هرگز نمی‌توند همسنگ ادراک وحیانی مکتب انبیا باشد. علامه طباطبایی در المیزان درباره حقیقت وحی می‌نویسد: نبوت، حالتی خدایی است و می‌توان گفت که حالتی غیبی است و نسبت آن به حالات ما

(همچون ادراک و فعل) همانند نسبت میان حالت بیداری و خواب است؛ بر این اساس انسان از راه وحی به معارف و حقایقی دست می‌یابد که تنها در پرتو آن می‌تواند اختلافات و تناقض‌های زندگی را پاسخ گو باشد. این ادراک غیبی در لسان قرآن «وحی» نامیده می‌شود. مطالبی را که تا حال درباره وحی به عنوان یکی از ابزارهای شناخت گفته ایم، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- از راه وحی می‌توان به حقایق دست یافت.
 ۲- ادراکات حسی و تجربی و نیز ادراکات عقلی ما هرگز همسنگ ادراکات وحیانی انبیا نخواهند بود.

۳- فقط مکتب انبیا می‌تواند مشکلات بشر را حل کند.

۴- علوم حقیقی را می‌توان از راه وحی به دست آورد.

بشر توسط وحی و مکتب انبیا از بربریت و توحش درآمد و در همه زمینه‌ها به پیشرفت‌های روزافزون نایل آمد و به تمدن دست یافت. باید تلاش کنیم تا از تمدن و علوم و فنون در همان جهتی که انبیا خواستار آنند سود ببریم. امام راحل (قدس سره) همواره از همسویی میان علوم حوزوی و دانشگاهی سخن می‌گفت و به هر دو عرصه علمی عشق می‌ورزید. (خمینی، روح الله، ۱۳۸۳)

هنگامی که در نوفل لوشاتو، دهکده نزدیک پاریس و محل اقامت امام پس از خروج از عراق خبرنگار تایمز لندن از عقاید و اندیشه‌های امام می‌پرسد، در پاسخ چنین می‌شنود: ریشه و اصل همه عقاید که در قرآن کریم آمده و یا پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان بحق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند و مهمترین و با ارزشترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. مطابق این اصل ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. حضرت امام در این گفتگو پس از آنکه اساس و مبنای تمامی اندیشه‌های خود را مانند دیگر مسلمانان بر محور توحید استوار می‌کند و آن را همچون ریشه درخت، پایه و ستون قائمه معارف خویش می‌خواند، به استخراج لوازم و پیامدهای ایمان توحیدی می‌پردازد و به آموزه‌های فراوانی که در پرتو توحید می‌توان فراگرفت اشاره می‌کند (همان، ۲۳۸)

در گفتگوی مختصر و مفید امام با روزنامه تایمز لندن که لب اندیشه‌های حضرت امام در باب سیاست و نظام‌های اجتماعی بازگو شده است، اساس و محور تمامی آن اندیشه‌ها، توحید قرار

می‌گیرد و نظام‌های مختلف به درختی تشبیه شده که ریشه آن را توحید به وجود می‌آورد. از منظر امام، تأمل در توحید، گویای این نکته است که هر چند در ظاهر، توحید به عنوان اصلی از اصول اعتقادی مسلمانان، در کنار دیگر اصول مانند عدل، نبوت، امامت و معاد از آن یاد می‌شود، ولی واقع مطلب حقیقتی بالاتر و فراتر از این را در بردارد و نشان می‌دهد، بازگشت تمامی آن اصول به توحید است و پیامبر شناسی، امام شناسی و معاد شناسی یک موحد ریشه در مبدا شناسی او دارد.

کسی که به سیر افکار و اندیشه‌های حضرت امام در طول تاریخ پر فراز و نشیب و حساس ایشان بپردازد، به خوبی به این حقیقت پی می‌برد که بیشترین حجم آثار قلمی پیش از دهه چهل امام، بر محور توحید نگارش یافته و به موضوعات عرفانی در ارتباط با توحید اختصاص دارد. آثار مهمی مثل (شرح دعای سحر)، (مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه)، (التعلیقه علی الفوائد الرضویه)، (تعلیقه) بر شرح فصوص الحکم و مصباح الانس و (شرح چهل حدیث)، همگی در آن دوران که ایشان به تصدی مرجعیت نپرداخته و در قم به عنوان مدرّس و نویسنده‌ای ارزنده به کار علمی اشتغال دارد و هنوز به طور آشکار و فعال به دخالت در سیاست نپرداخته، قلمی شده است و این حقیقت حکایت از دل مشغولی و گرایش باطنی حضرت امام به موضوع توحید، بیش از هر موضوع و مسأله‌ای دارد و چنانکه از سیره ایشان در عرصه‌های مختلف دینی و سیاسی می‌توان فهمید، این گرایش تا واپسین روزهای حیات با حضرت امام همراه است و او از این منظر و با این دید به جهان، انسان، دین، سیاست و هر موضوع مفروض دیگر می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

از جمله مهم‌ترین مبانی اندیشه‌های یک اندیشمند، مبانی معرفت‌شناسی او می‌باشد که بیان‌کننده طرز نگرش او به مسئله شناخت و منابع و مبانی و صحت و سقم آن است. منابع معرفتی هر اندیشمندی به منزله ارکان اولیه شناخت‌شناسی او محسوب می‌گردد. هر اندیشمندی، شناخت و معرفت خویش را از منابعی اخذ می‌کند که وجود این منابع معرفتی جهت تداوم تولید معرفت، جنبه حیاتی دارد. بی‌تردید حضرت امام خمینی (ره) نیز به عنوان یک اندیشمند واجد منابع معرفتی‌ای بوده است و شناخت خویش را با بهره‌گیری از این منابع، اخذ کرده است ایشان با بهره‌گیری از علوم وحیانی و قرآنی، مبانی نظام فکری خود را براساس هستی‌شناسی الهی قرار داده است و این سامان فکری وی، در دوران نوجوانی و جوانی شکل گرفته بود و با همان نظام فکری قرآنی و وحیانی، در دوران بزرگسالی وارد سیاست شد به عنوان نمونه سخنرانی ایشان را که در پایان

همین فصل قرار داده ام از نظر تحلیل مضمون کلمات، حدود ۹۹ مرتبه کلمه خدا را بکاربرده است و حدود ۴۸ مرتبه کلمه نصرت را بکاربرده است و این نشان دهنده غرق شدن در نظام توحیدی می باشد و با همین نگرش توحیدی، که وقتی با خدا باشی و به او توکل کنی، خداوند هم با امدادهای الهی که در این فصل بیان کردیم انسان را در رسیدن به مقصدش کمک می کند بی شک مقصد امام خمینی(ره) ساخت جامعه مطلوب می باشد و خداوند هم او را در رسیدن به مقصدش کمک کرده است.

منابع

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه
انصاریان، حسین (۱۳۸۸). ترجمه قرآن کریم، تهران: انتشارات اسوه.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). میشل فوکو و انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات بقعه.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۱). بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب، تهران، دانشگاه امام صادق
خمینی، روح الله (۱۳۸۳). شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم
درام، عبدالرحیم و عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۵). درآمدی بر آینده پژوهی اسلامی، تهران: موسسه
تحقیقاتی صنایع دفاعی مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری های دفاعی.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰). جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی،
تهران، نشر ثالث.
- سجادی، عبدالطیف (۱۳۸۳). ویژگیهای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، تهران: انتشارات چهارده معصوم.
شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۹۶۶). علل الشرایع، قم، انتشارات داوری.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۱). میزان. انتشارات، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- عرفانی، محمدنظیر (۱۳۹۶). شاخصه های جامعه مطلوب در تمدن اسلامی از منظر قرآن، تهران، جامعه
المصطفی العالمیه.
- علی زاده محمدی (۱۳۹۵). مکتب روان شناسی وحدت مدار: مقایسه ی تطبیقی با مکاتب: روان تحلیلی،
رفتارگرایی، انسان گرایی، وجودگرایی، شناخت گرایی، گشتالت، معناگرایی، تهران: انتشارات قطره.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸). آینده انقلاب اسلامی و منازعات آینده جهان، مطالعات انقلاب اسلامی،
۱۸(۱)، ۱۱-۳۲.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۹۳). جامعه مطلوب و جامعه مدنی در گفتمان امام خمینی، پژوهشنامه متین،
۱۶(۶۳)، ۱۴۳-۱۶۹.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۸۰). قاموس قرآن، انتشارات، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- مامقانی، محمد تقی (۱۳۸۸). ناموص ناصری، تهران: انتشارات تاریخ ایران.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن، ج ۹، با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، دارالکتب
الاسلامیه، تهران.